



کوچینگ کودکان

امیرحسین قاضی

کوچینگ رابطه‌ای است بین کوچ و مراجع که بر بستری از مسوولیتِ مراجع نسبت به خودش شکل می‌گیرد و کوچ با تکیه بر صلاحیت‌های خود، به مراجع در ساختن مسیری بر مبنای آگاهی‌های او، کمک می‌کند.

به نظر من همان طور که کوچ دارای ویژگی‌های مشخصی است، مراجع هم برای حضور در جلسه‌ی کوچینگ لازم است دارای ویژگی‌هایی باشد تا جلسه‌ی کوچینگ امکان شکل‌گیری بیابد.

بنابر تعریف فوق، جلسه‌ی کوچینگ زمانی شکل می‌گیرد که مراجع، آمادگی کافی برای مسوولیت‌پذیری و همچنین آگاهی کافی برای پاسخ دادن به سوالات کوچ را داشته‌باشد. منظور از آگاهی:

۱- توانایی تشخیص، طبقه‌بندی و واکنش به محرک‌های محیطی

۲- دسترسی به حالات درونی خود

۳- توانایی تمرکز بر موضوع مشخص و کنترل هوشیارانه‌ی رفتار

و در مجموع در پاسخ به این پرسش که: "فکر می‌کنی چرا ناراحتی؟" عوامل مختلف بروز نگرانی و ناراحتی را که در چند روز گذشته برای وی حادث شده‌است را نام ببرد.



طبق نظریه‌ی رشد ژان پیاژه، توانایی کودکان در تفکر و استدلال از یک سری مراحل عبور می‌کند، مرحله‌ی که از لحاظ کیفی با یکدیگر تفاوت دارند. او رشد ذهنی را به چهار مرحله‌ی کلی تقسیم نمود که هر یک از این مراحل از مرحله‌ی کوچک‌تر تشکیل شده‌است. این چهار مرحله عبارت‌اند از:

- ۱- مرحله‌ی حس-حرکتی (بدو تولد تا دو سالگی)
- ۲- پیش عملیاتی (دو تا هفت سالگی)
- ۳- عملیات عینی (هفت تا یازده سالگی)
- ۴- عملیات صوری یا انتزاعی (یازده سالگی به بعد)

بنابر نظریه‌ی فوق تا یازده سالگی کودک تنها بر اساس آنچه که مشاهده می‌کند و می‌تواند موضوعات را لمس کند، پاسخ صحیحی می‌دهد و در خصوص موضوعاتی که عینیت ندارند و ملموس نمی‌باشند یعنی موضوعات مجرد و انتزاعی (مانند درد، مرگ، نگرانی و...) توانایی ارائه‌ی پاسخ صحیح را ندارد؛ حال آن که از یازده سالگی (تا پانزده سالگی) کودک کم‌کم به بالاترین کیفیت شناختی دست می‌یابد. او به مرور توانایی تفکر انتزاعی و استدلال قیاسی را پیدا می‌کند؛ مفهوم احتمالات را درمی‌یابد، و می‌تواند به مواردی چون تغییر و تفسیر ضرب‌المثل، فرضیه‌سازی، استدلال کردن و تفکر پیرامون مسائلی که حتی عینیت ندارد بپردازد. در این سن، آگاهی او رفته رفته شروع به تکامل می‌کند و هر چه تجربه‌ی او بالاتر می‌رود، می‌تواند آگاهی نسبت به احساسات خود بالاتر رود، چرا که رشد عاطفی انسان در گرو تجارب اوست.

لازم به ذکر است که همه‌ی نوجوانان در زمانی واحد و به میزان یکسان به مرحله‌ی عملیات انتزاعی نمی‌رسند و برخی، ممکن است اصلاً به این مرحله نرسند.

بنابر مطالب فوق، کودک برای حضور در جلسه‌ی کوچینگ آمادگی ندارد، اما کوچینگ می‌تواند مکمل بسیار خوبی در فرایند آموزش یا درمان او باشد. برای تقویت روحیه‌ی پرسشگری و دیدن پدیده‌ها از زوایای دیگر، همچنین تقویت تفکر حل مساله، کوچینگ ابزارهای بسیار خوبی را برای شما به ارمغان می‌آورد. در مقاله‌های آینده چگونگی دستیابی به ابزارهای آموزشی از طریق کوچینگ را تشریح خواهیم کرد.

لازم به ذکر است که کار با کودک هم از حیث رویاگونگی دنیای کودکی و هم از حیث پیچیدگی انسانی مخلوط با رویاپردازی و ناب بودن، کاری بس دشوار بوده و نیاز به تجربه، علم و شناخت دارد. در این فرایند پیچیده، ضرورت دارد مربی با فرایند رشد کودک و نحوه‌ی استدلال او از پدیده‌ها آشنا باشد.



نشر الکترونیکی: کانون یادگیری فردا

زمستان ۱۳۹۶

WWW.CYFCO.IR